

آینة

اطلاعات

یادداشت: «بازهم پارازیت!»؛ ابوالقاسم قاسم‌زاده

یکبار دیگر وزیر بهداشت از تشکیل کارگروهی خبر داد که برای بررسی امواج و پارازیت‌ها فعال است. تا اینجا کار معلوم شده است که انتشار امواج پارازیت، حمل قانونی روشنی ندارد و دستوری است. انتشار امواج پارازیت به‌طور عمده و گسترده به تهران و مرکز کشور محدود شده است و بسیاری از استان‌ها و شهرها و به‌ویژه کشور به‌خصوص شهرهای مرزی، در دایره کنترل امواج پارازیت قرار ندارند. ایجاد امواج پارازیت، شیوه‌ای است که وسایل فنی برای خنثی‌سازی آن هم به بازار آمده و در اختیار عموم قرار گرفته است. اگر نظرسنجی از مردم صورت پذیرد، معلوم خواهد شد که از انتشار امواج پارازیت ناراضی‌اند و آن‌را بی‌فایده می‌دانند. مردم انتظار دارند تا دولت پس از بررسی علمی نتایج آن را اعلام کند و دست به اقدام بزند.

تجربه

یادداشت: «پارانه=پارازنه»؛ محمدرضا عباسی فرد

در الفباهای یکی از معارف آمده بود که ۱۰ عدد تخم‌مرغ را به قیمت ۱۰ ریال خریداری کرده و بعد از بختن و رنگ کردن آن را به ۹ ریال می‌فروخت و در فلسفه اقدام خود می‌گفت این کم نیست که مردم ما با بازارگان می‌نپردازند. امید است با این مختصر معنی هدفمندی را خوب فهمیده باشیم تا دولت کنونی در ادامه راه و دنباله‌روی از وضع گذشته سبب کالا را خام و ناپخته عرضه و رایله نکند که مردم اگر در انتخابات به شعارها توجه می‌کنند ولی در دولت‌ها با اقدامات علمی و رفتار آن نمره می‌دهند من شخصاً با این بار بود که دولتی با شعار تدبیر و امید طرح پارانه‌ها را باطای عمل خواهد سپرد و روی آن جراحی سخت و سنگینی برای معالجه و نجات انجام خواهد داد، ولی آرام‌آرام امید به آن تدبیر کم و کمتر می‌شود.

چرا

یادداشت: «درس ناکامی در انصراف»؛ مه‌ران ابراهیمیان
حمایان دولت تلاش زیادی می‌کنند تا ناکلی برادرهای دولتی‌ها را دربراره رقم انصراف از پارانه‌ها توجیه کنند. اما‌های این چند روزه نشان از وجود ۲۳بدهکار بانکی دارد که ۱۱هزارمیلیارد تومان تسهیلات را خورده و پس هم نمی‌دهند و از سوی دیگر ۱۷۲هزار بدهکار بانکی بیش از پنج‌میلیارد تومان بدهی بانکی دارند. بیش از ۴۰درصد اقتصاد مالیات نمی‌پردازد. چندی پیش خبری منتشر شد که بزرگ‌ترین طلافروشان ایران در بازار تهران مالیاتی کمتر از یک‌میلیون تومان پرداخت می‌کنند. دولت باید با رعایت اصل هزینه- فایده اقتصادی در برنامه‌های نخست انتخاب کند که دست گذاشتن ۳۰۰بدهکار بزرگ که نیمی از بدهی‌های کل نظام بانکی را تشکیل دادند، است بهتر است یا فشار بیشتر بر روی سبد هزینه‌های مردم. در صورت آزادسازی پول‌های در اختیار بدهکاران بزرگ بانکی از یک‌سوم‌قادر به تزریق حداقل ۳۰هزارمیلیارد تومان نقدینگی برای تولید فراهم می‌شود که حداقل سمبرابر میزان بودجه عمرانی تخصیص‌یافته در سال ۹۲است.

ایران

«ناخرسندی از آرایش جایگاه‌های بزین»

خبر اول این که یکی از روزنامه‌های صبح دیروز با انتشار گزارشی اقدام به تهیهج فکر عمومی درباره افزایش قیمت بزین کرده است.این در حالی است که طبعی دیگر از روزنامه‌ها تصویر آرایش جایگاه‌ها بعد از تغییر قیمت را در صفحه نخست خود منتشر کرده‌اند.

تازان

یادداشت: «با روزنامه‌ها برخورد فرهنگی شود»؛ علی کاظمی

نباید یادید حقوقی صرف با مطالب روزنامه‌ها برخورد شود. کسی که قلم به دست است اگر مرعوب شود نخواهد نوشت و انتقاد سازنده نخواهد کرد و اگر شخصیت حقوقی رساله از بین برود ایجاد رساله دیگر بانوجه به هزینه‌های گزاف روزنامه‌ها به راحتی امکانپذیر نخواهد بود.

کیم‌سان

سرمقاله: «قطار آمریکایی و ایستگاه خیالی»؛ محمد صرصری

مصادره ساختمان بنیاد علوی در نیویورک را می‌توان یکی از موارد فیرسخت بلندبالای اقدامات خصمه‌ها وناشنگن علیه جمهوری اسلامی تلقی کرد. جنجال، مخاصمه و باج‌خواهی از ایران، به بهانه حمایت از تروریسم از سوی چنین دولتی، نیاز به وقاحت جانکنری دارد که تنها از مفاتح روسیه کاخ سفید برمی‌آید.نگاهی به روزنه‌های سیاسی در واشنگتن نشان می‌دهد، طی ماه‌های آینده باید منتظر ماجراها و پرونده‌های مشابه دیگری نیز بود. ریل منتهای برای قطار دیپلماتی آمریکا به بیش از حد مستهلک شده و ریل گذاری جدیدی نیاز دارد. این قطار در حالی اولین ایستگاه خود را در ساختمان ۶۵۰ خیابان پنجم نیویورک، ترک کرد که راننده و مسافران آن، به امید رسیدن به ایستگاه «تسلیم جمهوری‌اسلامی» می‌رانند و البته خیالی بوده و وجود خارجی ندارد.

حقان‌کردن

یادداشت: «اکنون می‌فهمم چرا و چگونه هیتل به قدرت رسید»؛ عبدالله شهبازی

در فرادی تاریخ، افکار عمومی و بشریت آزاده، روشنفکر ایرانی را نیز به خاطر سکوت یا همدلی با نئونازی‌های کی‌یف و جنگ‌افروزان حرفه‌ای بین‌المللی نخواهد بخشید. در پیشگاه تاریخ و وجدان، به قیامت و حساب و کتاب آن‌چله‌ای کار ندارم، این عذر پذیرفته نیست که نمی‌دانستیم و فکر می‌کردیم رسانه‌های غرب با بی‌بی‌سی‌ای هستند هرچه می‌گویند درست است. دوستان ما،دوستانم! لطفاً این تغییر کلیشه‌ای جدایی‌طلبان هژوار روسیه» را تکرار نکنید. این تعبیر را در اتاق‌های فکر طراحان جنگ اوکراین، یا جنگ سرد جدید، یا «جنگ‌سوم جهانی» ساخته‌اند آنچه در اوکراین می‌گذرد جنگ داخلی است که کشوری که «انقلاب میدان بوروا» چندپاره‌ش در این کار را به عمد کردند می‌دانستند چه نتیجه‌ای رخ خواهد.

سیاست

کارشناسان در میزگرد مشترک «ایراس» و روزنامه «شرق» بررسی کردند

بحران اوکراین؛ شطرنج دیپلماتیک ایران و روسیه



البته باید کنترل این موضوع در دست ایران باشد که هر موقع احساس شد بازار جدیدی پیدا شده است بتوانیم این قرارداد را خاتمه دهیم.

دکتر ماندانا تیشه‌یار: گفته شده این قرارداد بلندمدت نخواهد بود و دو تا سه‌سال به طول خواهد انجامید با روسیه چه از نظر تجاری و چه از نظر سرمایه‌گذاری به‌مراتب کاهش یافته است. اما اخیراً پوتین طی یک موضع‌گیری عنوان داشته است که مسکو باید در سیاست خارجی خود در قبال تهران تغییراتی به‌وجود آورد که بخشی از این تغییرات می‌تواند در حوزه همکاری‌های اقتصادی باشد. اوایل فروردین‌ماه شورای امور بین‌الملل

روسیه گزارشی با عنوان «روابط ایران و روسیه موانع و راهکارها» را منتشر کرد که این گزارش در موسسه ایراس ترجمه شد. ما با اعضای شورای علمی ایراس نشستیم. برگزار کردیم تا دیدگاه روس‌ها نسبت به رابطه با ایران را بررسی کنیم. بخش عمده‌ای از این گزارش درباره مسایل اقتصادی است. روس‌ها در این گزارش، وضعیت موجود را نقد کرده بودند. با این حال با مقصر معرفی کردن ایران در زمینه عدم‌همهود روابط اقتصادی، بحث تحریم را عاملی محدودکننده تلقی کرده بودند.

در حوزه کارشناسی، وقتی ما با استادان ایرانی گفت‌وگو کردیم، بر این باور بودند که در سال گذشته حجم تجارت خارجی ایران با کشورهای خارجی بیش از ۵۰میلیارد دلار بوده در حالی که تنها ۱۵/۵میلیارد دلار آن سهم روسیه بوده است. بنابراین مشخص است که پتانسیل‌هایی وجود دارد اما دو طرف نخواست‌اند توسعه روابط و سرمایه‌گذاری بیشتر را مطرح کنند.

روسیه باید برای جلوگیری از نفوذ آمریکا در منطقه اوراسیا با ایران رابطه اقتصادی داشته باشد، بنابراین آنها همکاری اقتصادی را در راستای منافع سیاسی و ژئوپلیتیک منطقه‌ای می‌بینند. تأکید اصلی در این گزارش این بود که در حال حاضر فقط شرکت‌های بزرگ روسی مانند لو‌ک‌اویل و گازپروم وارد بازار ایران شوند. اما در بخش جمهوری‌های روسیه می‌توانیم علاقه‌مندی بیشتری برای همکاری با ایران ببینیم. تجار و بازرگانان روسی علاقه‌مند هستند ببینند ایران از چه ظرفیت‌هایی برای تجارت برخوردار است و ایران نیز از این امر استقبال می‌کند. به‌نظر می‌رسد اگر بتوانیم در این زمینه قدم برداریم، می‌توانیم روابط بسیار بهتر داشته باشیم.

آیا همه این توصیف‌ها و سنجش روابط دو کشور، چه چیزی باعث می‌شود موضوع قرارداد نفتی بین ایران و روسیه مطرح شود؟

دکتر بهرام امیراحمدیان: البته وزارت امور خارجه ایران این موضوع را نه تأیید کرده است و نه تکذیب. روسیه در حوزه انرژی رقیب ایران بوده است و در سال‌های تحریم ایران، روسیه بیشترین استفاده را از این امر برده و در برخی سسال‌ها این کشو بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در دنیا بوده است. باید به این نکته توجه داشت که ذخایر اثبات‌شده نفت روسیه ۴۰میلیارد بشکه است در حالی که ذخایر ایران حدود ۱۴۰میلیارد بشکه‌است و این امر نشان می‌دهد ما دارای پتانسیل‌های بالایی هستیم اما به علت عدم‌سر‌به‌گذاری توانست‌ایم، توسعه پیدا کنیم.

در پروژه ساخت خط لوله گاز ایران به ارمنستان، کشور ما می‌توانست علاوه بر صادرات گاز به ارمنستان به دیگر کشورهای قفقاز نیز گاز صادر کند، اما شرکت گازپروم روسیه به بهانه بدهی ارمنستان تمامی خطوط لوله را خریداری کرده و ایران نتوانست این پروژه را اجرا کند.

روسیه منافع ملی خود را به صورت حداکثری نگاه می‌کند. اکنون پرسش این است که روسیه چرا قصد خرید نفت از ایران را دارد و در ازای این امر، قرار است چه کالایی به ایران بدهد؟ شاید به خاطر این است که ایران وارد صادرات انرژی به اروپا نشود تا همچنان مسکو کنترل خود بر اروپا را داشته باشد.

دکترمحمود شوری: باید دید روسیه در قبال این ۴۰میلیارد دلار چه می‌تواند به ایران بدهد. ظرفیت تولید ایران بیشتر از سمیلیون بشکه نفت در روز است ولی ما در حال حاضر فقط یکمیلیون و ۲۰۰هزار بشکه نفت تولید می‌کنیم. بنابراین ما باید از راه امکانی که به صادرات نفت کمک کند استقبال کنیم. فارغ از اینکه این صادرات به کجا باشد از زاویه دید ما، این قرارداد می‌تواند فرصتی برای صادرات نفت و شکستن سد تحریم‌ها باشد. برای ما مهم این است که به هر طریق ممکن نفت خود را بفروشیم و صادرات خود را افزایش دهیم و بازار جدید پیدا کنیم هرچند این بازار برای ما نیست و برای روسیه راه‌های غرب با بی‌بی‌سی‌ای خواهند همچنان خود را به عنوان قدرت برتر انرژی مطرح نگه دارند. درباره این امر که روس‌ها در برابر نفت چه کالاهایی به ایران می‌دهند، باید گفت آنها می‌توانند در زمینه ساخت نیروگاه‌ها و سرمایه‌گذاری در اقتصاد ایران مشارکت داشته باشند. در صورت مبادله نفت در برابر کالا، روس‌ها این ظرفیتی ندارند که ۴۰میلیارد دلار کالا به ایران بدهند، بنابراین این امر می‌تواند به سمت سرمایه‌گذاری سوق پیدا کند.

با این حال شما اگر به کریدور شمال- جنوب نگاه کنید، متوجه این امر می‌شوید که روسیه همواره تلاش کرده تا خود را محور قرار دهد. آنها می‌گویند اروپایی‌ها باید از طریق روسیه و دریای خزر به سمت جنوب و هند حرکت کنند. ذخایر گاز ایران، ۱۶درصد و روسیه ۳۲درصد است و این امر نشان می‌دهد ما قدرت ضعیفی نیستیم. به دلایل مختلف از جمله مقصربودن روشنفکران ایرانی به ویژه دیدگاه چپ، ما از روسیه قدرت بزرگی ساخت‌ایم. در حالی که ما نیز می‌توانیم نقش ژئوپلیتیکی برجسته‌ای در منطقه بازی کنیم.

آیا توجه به بدقولی‌های مکرر روسیه در قبال ایران مثل تاخیر در تحویل نیروگاه بشهر و بدقولی در موضوع اس-۳۰۰، آیا می‌توانیم در رابطه با قرارداد نفتی اخیر با روسیه برنده و خوشبین باشیم؟

دکترماندانا تیشه‌یار: هر کشوری منافع خود را دنبال می‌کند. یادمان باشد این فقط روسیه نیست که به خاطر تحریم‌ها، قراردادهای خود با ایران را لغو کرد. با لغوتحریم‌ها می‌توانیم شاهد بهترشدن شرایط اقتصادی و گسترده‌گی همکاری با روسیه و جهان باشیم. از کشورهای جهان باشیم. **دکترمحمود شوری:** اینکه از ترس اینکه روس‌ها بدقولی کنند، بگوییم روس‌ها قابل اعتماد نیستند و بخوابیم اینگونه به مساله نگاه کنیم، بار دیگر برای خود محدودیت ایجاد کرده‌ام. در بحث اس-۳۰۰، روس‌ها قرارداد را امضا نکردند و ما هم شکایت کردیم و قطعاً برنده هم هستیم و روس‌ها هم نشان داده‌اند که درصدد جبران هستند. در شرایط موجود نیز بحث قرارداد نفتی به نوع اعتقاد آن برمی‌گردد.

آیا در بحث اوکراین، روسیه دست به اقداماتی زد که به گمان غرب، دخالت بود، اما تعادلی اروپا، به تنها به تحریم‌های روسیه بسنده کرد و اقدام جدی نشان نداد، علت این امر چیست؟ آیا به خاطر مراودات تجاری بالا با روسیه بوده است؟

دکترمحمود شوری: سطح روابط اقتصادی روسیه و اروپا بسیار گسترده است. ۳۰درصد انرژی اروپا از روسیه تأمین می‌شود و بخش گسترده‌ای از روابط اقتصادی روسیه با اروپا است و طبیعتی است که اروپا نیازا رابطه‌ای است که در دو دهه گذشته ایجاد شده است.

اروپا در زمینه اقتصادی در جایگاه خوبی نیست و به‌تازگی از بحران اقتصادی رهایی پیدا کرده است و مجدداً می‌خواهد دوران رشد و شکوفایی را آغاز کند و بحث تحریم گسترده روسیه می‌تواند بار دیگر اروپا را با محدودیت‌های گسترده‌ای مواجه کند. بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌های اروپایی‌ها به‌ویژه دو کشور آلمان و انگلیس در روسیه است و از این رو اتخاذ تصمیم تحریم علیه روسیه، به ضرر اروپاست. به‌طور کلی غربی‌ها ابزار زیادی برای مقابله با روسیه ندارند و اکنون بیشتر به دنبال تحریم برخی از افراد هستند که نمی‌تواند خیلی جدی باشد. به نظر می‌رسد در نهایت همان رفتار را که در قبال استقلال روسیه به جمهوری‌های آبخازیا و اوستیای جنوبی انجام دادند را در پیش بگیرند، مگر این که شدت بحران افزایش پیدا کند.

آیا در شرق اوکراین هم‌اکنون درگیری‌ها بالاست و این بحث به چه روی وجود دارد که برخی شهرهای دیگر هم به سمت روسیه می‌روانستند؟ از طریق دولت کی‌یف عملیات ضد تروریستی را آغاز کرد، سوال این است که آیا اروپا در این اقدامات در کنار دولت موقت حرکت می‌کند؟

دکتر بهرام امیراحمدیان: ماهیت این بحران با موضوعات دیگر فرق می‌کند به نحوی که اگر کشورهای غربی می‌توانست جایگزین خودی‌ها نباشد، بعداً فروپاشی شوروی، اوکراین کشوری هسته‌ای بود که خواستار شناسایی بین‌المللی شد. نهایتاً توافق شد که با انتقال تسلیحات هسته‌ای اوکراین به روسیه، تمامیت ارضی این کشور از سوی مسکو به رسمیت شناخته شود. با این حال روسیه اکنون این قرارداد را نقض کرده است که این امر می‌تواند درباره کشورهای دیگری نیز الگو شود، به طوری که چین تاوان را بگیرد و ایران بحرین را طلب کند.

آیا سیاست و اقدامات روسیه خود حرکتی امپریالیستی است یا واکنشی در قبال سیاست‌های امپریالیستی غرب بوده و اینکه تعارض‌های کنونی را آیا می‌توان جنگ سرد جدیدی دانست؟

دکتر بهرام امیراحمدیان: این بحث‌ها را تحت هیچ شرایطی نمی‌توان امپریالیستی خواند، چرا که این اصطلاح بد معنی شده است. جنگ سرد جدید نیز درست نیست چون بحث ایدئولوژی در کار نیست و روس‌ها ایدئولوژی غربی را پذیرفته‌اند و با آن تعارض زیادی ندارند. تنش‌های کنونی روسیه و غرب امنیت است و روس‌ها احساس می‌کنند در تنگنا قرار گرفته‌اند به همین دلیل خواهان این امر هستند که با هر وسیله‌ای امنیت خود را تأمین کنند. کریمه و بندر سواستوپول بندر بسیار مهمی در دریای سیاه است که می‌تواند به اهداف روسیه در این زمینه کمک شایانی کند، به‌خصوص که کشورهای اروپای شرقی از جمله بلغارستان اکنون بر خلاف سابق، عضو پیمان ناتو شدند.

دکترمحمود شوری: بعد از فروپاشی شوروی با دو دسته شکاف‌ها مواجه هستیم. از یک طرف در جمهوری‌های سابق اتحاد شوروی مرزبندی‌ها کاملاً مشخص و دقیق نیست و در برخی مکان‌ها شاهد جمعیت بالای روس در درون کشور دیگری هستیم. هرچند این مرزبندی‌ها قبلاً جنبه داخلی داشت اما هم‌اکنون بستر بین‌المللی پیدا کرده‌اند. شکاف دیگر این است که طی سال‌های اخیر در برخی مناطق شاهد فروپاشی برخی کشورها (یوگسلاوی) و تولد برخی کشورها (کوزوو) بوده‌ایم که هیچ‌کس اعتراضی نکرده است. روس‌ها نیز هم‌اکنون به این استاندارد به الحاق کریمه به کشور خود پرداخته‌اند و به نوعی از این شکاف‌ها در راستای منافع خود استفاده کرده‌اند.

دکترماندانا تیشه‌یار: اینکه چرا روسیه در واکنش به تحولات اوکراین و سقوط یک کابینه دست به اقدامات تندتری زد را اگر از منظر ژئوپلیتیک نگاه کنیم، برای‌بایم روس‌ها اوکراین همواره بخشی از اوراسیا است که نمی‌تواند به دولت‌های غربی روابط نزدیک داشته باشد یا احیاناً به پیمانی مانند ناتو ملحق شود. اگر به مرزهای روسیه نگاه کنیم، می‌بینیم که روسیه در آسیای مرکزی با چالش چین روبه‌رو است و در قفقاز نیز با بحث جدایی‌طلبی جمهوری‌ها در مرزهای غربی با سدهسته کشور مواجه است؛ اول بلاروس که کاملاً متحد روسیه است و مسکو از این نظر مشکل خاصی ندارد. دوم، جمهوری‌های بالتیک که از ابتدا حساس خود را در روسیه جدا کرده و به سمت غرب رفتند. اینجا تنها اوکراین است که باقی می‌ماند و زمینه شکم‌شکنی بین روسیه و غرب را فراهم می‌کند.

روس‌ها نگران تهدید عمق استراتژیک کشور خودشان هستند. طی سده‌های اخیر از این ناحیه دو بار ارتش‌های هیتلر و پاتلونی به روسیه نفوذ کرده‌اند و این دو بار نیز، در نظر روس‌ها اتفاقاتی که در اوکراین رخ می‌دهد، می‌تواند بر چپن و برخی جمهوری‌های دیگر اثر بگذارد. به‌نظر می‌رسد روسیه ترجیح می‌دهد خط مرزی خود را به لهستان برساند و اوکراین کامکان در پیوند نزدیک با مسکو بماند.

دکتر بهرام امیراحمدیان: می‌گویند مسکو قلب روسیه است، سن پترزبورگ مرکز روسیه است، اما اوکراین مادر روسیه است. روسیه قرن ۱۰میلادی از شهر کی‌یف شکل گرفته است. روسیه به دلایل مختلف نیازمند اوکراین است و به‌سادگی حاضر به دادن این کشور به غربی‌ها نخواهد شد. در دوره شوروی جمهوری‌ها به سده‌شد تقسیم می‌شدند. مغز طلا که شامل اسلواوا بودند، سه جمهوری روسیه بلاروس و اوکراین، دست طلا در تولیدات صنعتی داشتند و دندان طلا شامل جمهوری‌های آسیای مرکزی بود که نفت تولید می‌کردند.

آیا اعتراضات اوکراین یکسری احزاب راست و نئوفاشیست ظهور کرده‌اند که بعد از شکل‌گیری دولت موقت هم برخی از آنها مقام‌هایی را تصاحب کرده‌اند. این در حالی است که کشورهای اروپایی اصولاً با احزاب دست راستی از جمله برلوسکنی در ایتالیا مشکل دارند، اکنون اروپا چطور می‌تواند حمایت خود از این احزاب را توجیه کند؟

دکترمحمود شوری: اروپایی‌ها به‌طور مستقیم از این احزاب حمایت نکردند و جریان طرفداران دیمتری تره‌پارو که الان در اوکراین حضوری فعال دارند برای اروپا می‌تواند مشکل آفرین باشد. هرچند در روز ۲۱ فوریه توافقی بین دولت یل‌وکوویچ و مخالفان صورت گرفت، اما همین گروه راست افراطی بود که اجازه اجرای قرارداد را نداد. در شرایط کنونی اگر اروپایی‌ها می‌دانستند که حمایت از مخالفان یل‌وکوویچ می‌تواند به تجزیه اوکراین بینجامد، بدون شک در سیاست‌های حمایتی خود تجدیدنظر می‌کردند. در هر حال به نظر نمی‌رسد اروپایی‌ها سیاستی مبتنی بر حمایت از این گروه‌های راست داشته باشند.

آیا خطر این گروه‌ها جدی است؟

دکترمحمود شوری: بله آنها فاشیسم جدید و نازیسم جدید را مطرح می‌کنند. البته باید به این نکته نیز اشاره داشت که در حال حاضر احزاب دست راستی اروپا از جمله حزب راستگرایی افراطی لوپن فرانسه از سیاست‌های روسیه حمایت می‌کنند و این به‌هم‌ریختگی دیدگاه‌ها امری است که ما اکنون شاهد آن هستیم. به هر حال الان این دریا اینقدر متلاطم است که خیلی نمی‌شود گفت چه کسی از چه چیزی حمایت می‌کند و این حمایت‌ها به کجا ختم خواهد شد.

ادامه از صفحه اول

تبیین روان‌شناختی

نتایج انصراف از پارانه

اما چرا چنین شد؟ آیا پیام دعوت برای انصراف از دریافت پارانه خطا بود یا روش دعوت مشکل داشت. دولت یازدهم با حجمی انبوه از مشکلات اقتصادی که میراث دولت گذشته است، مواجه است و شهروندان از ارتقای روی کارآ‌آمدن این دولت بارها شنیده‌اند که پول کافی برای پرداخت پارانه نقدی وجود ندارد و دولت برای تأمین پارانه نقدی با مشکلات فراوانی مواجه است. شهروندان نیز خود در زندگی‌شان دیده‌اند که پارانه نقدی تأثیری بر معیشتشان ندارد و تنها باعث افزایش هزینه‌های زندگی شده است. بنابراین به نظر نمی‌رسد که پیام دارای مشکل بوده بلکه آنچه از لحاظ علمی در نظر گرفته نشد، روش دعوت مردم برای انصراف بود.

در علم روانشناسی اجتماعی برای متقاعدسازی مردم اصولی شرحه شده است که عبارتند از: ویژگی‌های پیام‌دهنده، محتوای پیام و ویژگی‌های گیرنده پیام. به یافته‌های کلی تحقیقات مختلفی که روانشناسان اجتماعی دنیا در مورد این ویژگی‌ها انجام داده‌اند در ابتدای مطلب اشاره شد، اما برای درک بهتر آنچه به‌فعل در فرآیند متقاعدسازی مردم برای انصراف از پارانه رخ داد، توضیحاتی را اضافه می‌کنم.

قابلیت قبول، اعتماد و جذابیت، ویژگی‌هایی هستند که اگر فرستنده پیام دارای آن نباشد در متقاعدسازی خنده وارد می‌شود و فرآیند این کار را با مشکل مواجه می‌کند. فرستنده پیام‌های زیرنویس‌شده، رسانه ملی بود، رسانه‌ای که سال‌هاست در قایل قبول‌یودن و اعتماد و جذابیت آن در نزد قشر متوسط و مرفه جامعه ایران خنده وارد شده است. جالب اینجاست که مهم‌ترین طبقه و مخاطب هدف دولت برای انصراف از دریافت پارانه‌ها طبقه متوسط و مرفه جامعه شهری ایران بود. این تناقض را می‌توان در نظرسنجی یکی از خبرگزاری‌ها دریافت که در آغاز فرآیند انصراف از پارانه‌ها در صفحه اول سایت خود از کاربران پرسیده بود که آیا می‌خواهند از دریافت پارانه انصراف دهند یا خیر که ۸۴درصد از کاربران این خبرگزاری جواب منفی داده بودند. پراوض است که کاربران یک خبرگزاری کرد کاملاً گروه از جامعه ایران هستند؛ طبقه‌ای که به اینترنت دسترسی دارد و برای کسب خبر به سایت یک خبرگزاری مراجعه می‌کند. این بخشی از ماجراست. بخش دیگر، محتوای پیام است. در زیرنویس‌های تلویزیونی و گفت‌وگوهای مسئولان امر آنچه نادیده گرفته شد ویژگی‌های پیام بود. این ویژگی‌ها چیست؟

۱- توسل به منطق در برابر توسل به هیجان. در فرآیند دعوت از مردم برای انصراف، آنچه نادیده گرفته شد این بود که پیام‌ها واجد هیچ هیجانی نبودند و فقط به اصول منطقی انصراف اشاره شد. در حالی که اگر خطرات جانی و مالی انصراف‌نندگان مردم از دریافت پارانه‌ها بسیار مشخص بیان می‌شد، احتمالاً تأثیر بیشتری را می‌گذاشت.

۲- شواهد آماری در برابر نمونه شخصی. مسئولان امر و پیام‌های زیرنویس‌شده تلویزیونی به‌طور مشخص فقط به آرایه شواهد آماری توجه کردند و از اهمیت نمونه‌های شخصی غافل ماندند. آنچه در فرآیند متقاعدسازی به کمک آمار به مردم گفته شد، این بود که اگر از دریافت پارانه انصراف دهند وضعیت سلامت بهبود خواهد یافت. این در حالی بود که اگر به‌جای این جملات کلی دقیقاً چگونه بر آنچه عدم دریافت پارانه به وضعیت سلامت یک خانواده طبقه متوسط با مرفه جامعه کمک خواهد کرد تمرکز می‌شد، مردم بیشتر تمایل به انصراف داشتند. ۳- استدلال یکجانبه در برابر استدلال دوجانبه. کدام‌یک از شما؟ مسئولان امر شنیدید که توضیح خوبی در برابر شبهات مطرح‌شده و شایعه‌های گسترش‌دهنده می‌آرزانده‌بدهند؟ برای مثال، کدام‌یک از مسئولان به‌طور مشخص و قبل از آغاز فرآیند انصراف از پارانه به مردم توضیح دادند که وضعیت اقتصادی مردمی که پارانه فقط در دعوت از مردم بر استدلال‌ها موقوف پیام انصراف از پارانه تمرکز کردند و به شایعه‌های گسترده که حاوی استدلال‌های مخالف انصراف بودند توجهی نشان ندادند. آنچه بیان شد، توضیح مختصری از درجه علم روانشناسی اجتماعی بود که اگر مسئولان امر اندکی توجه به یافته‌های این علم در امر متقاعدسازی می‌کردند، نتیجه انصراف از پارانه چیز دیگری می‌شد.

«هدفمندی» و «نظرسنجی»

و این افزایش بدون لحاظ تأثیرات روانی و اجتماعی ناشی از اجرای مرحله دوم هدفمندی پارانه‌ها در افزایش قیمت کالاها و سایر خدماتی است که به‌دلیل هزینه‌های تمام‌شده مرتب بر آن ایجاد می‌شود. ادامه این روند البته دولت را با مسایلی که رقیبان ناراضی از نتایج انتخابات ۲۴ خرداد ۹۲ مترصد آن هستند مواجه خواهد کرد. سوال اساسی این است که آیا دولت، پیامدهای اجرای مرحله دوم هدفمندی پارانه‌ها را مورد ملاحظه و بررسی عالمانه قرار داده است؟ آیا بهتر نبود که این پروژه سرزشت‌ساز با یک نظرسنجی از مردم، بررسی می‌شد تا نظر آنان هم ملحوظ نظر قرار می‌گرفت تا اجزای این پروژه عظیم با پشتوانه کرد جمعی همراه می‌شد؟ خوب بود این موضوع به معرض دید و بحث و تبادل نظر استادان مختلف اقتصاد و دیگررشته‌های مرتبط گذاشته می‌شد تا تمام زوایای این پروژه عظیم و ملی مورد واکاوی و کنش‌ش و منافع ملت و کشور بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گرفت. مردم در شرایط سخت سال گذشته حمله‌ه ۲۴ خرداد را خاق کردند اما جریان تندرو که به‌عنوان مانیع در توسعه‌کشور عمل می‌کند، منتظر است تا از این گل آلود ماهی‌های خود را صید کند.